

## ظرفیت نظام آموزشی امامیه در پیشرفت فرهنگ و تمدن اسلامی (با تأکید بر پنج قرن نخست هجری)

محمدجواد یآوری سرتختی

استادیار دانشگاه باقرالعلوم (ع) قم، ایران.

[javadyavari@yahoo.com](mailto:javadyavari@yahoo.com)

### چکیده

در میان جنبه‌های گوناگون فعالیت‌های فرهنگی و تمدنی، آموزش علم و ادب به‌عنوان مؤلفه‌ای مهم، همواره مورد توجه بوده و امروزه نیز معرف هویت و معیار توسعه‌یافتگی جوامع به‌شمار می‌رود. بسیار واضح است که نظام آموزشی به‌عنوان بخشی از ساختار تمدن اسلامی، موتور محرک و ظرفیت‌ساز شکل‌گیری و تعالی فرهنگ و تمدن اسلامی را برعهده دارد؛ اما با توجه به انتقاداتی که نسبت به غیرفعال بودن نظام آموزشی امامیه و دستاوردهای آن در پنج قرن نخست هجری وجود دارد، ضمن دفاع از وجود آن باید به نقش آن در ظرفیت‌سازی فرهنگ و تمدن اسلامی پردازد؛ از این رو، این مسئله پژوهش حاضر را بر آن داشته تا به این سؤال اصلی پاسخ دهد که ظرفیت نظام آموزشی امامیه در تعالی

فرهنگ و تمدن اسلامی با تکیه بر پنج قرن نخست، چیست و چگونه تحقق یافته است؟

باتوجه به هدف کشف چگونگی نقش نظام آموزشی امامیه در تعالی فرهنگ و تمدن اسلامی، نتیجه آن شد که نظام آموزشی امامیه به دلیل برخورداری از مؤلفه‌ها، عناصر و ویژگی‌های ظرفیت‌ساز نقش بسزایی در تعالی خود و شکل‌گیری و تعالی فرهنگ و تمدن اسلامی داشته است. شیعیان با تکیه بر نظام امامت‌الهی، مبانی، منابع تولید علم و اصول آموزشی در فعالیت‌های علمی و آموزشی حضور فعالی داشته و توانسته‌اند با بهره‌گیری از ویژگی‌های ظرفیت‌ساز آن، ضمن عرضه توانمندی، حیات و هویت فرهنگی و تمدنی خود را تضمین کنند.

**کلیدواژه‌ها:** نظام آموزشی، شیعه امامیه، فرهنگ و تمدن اسلامی، مؤلفه‌ها و عناصر ظرفیت‌ساز در تمدن اسلامی.

#### مقدمه

هویت تاریخی هر جامعه‌ای در قالب فرهنگ و تمدن آن جامعه بروز و ظهور یافته و دستیابی به این هویت، از طریق شناخت فرهنگ و تمدن مذکور میسر می‌شود. جهان اسلام نیز با پشتوانه تاریخی در توسعه فرهنگی و تمدنی، از چهره‌ای درخشان و هویتی ارزنده در طول تاریخ بشری برخوردار است که بی‌شک تبیین جنبه‌های مختلف آن برای نسل‌های جدید به منظور ایجاد آگاهی بیشتر نسبت به تاریخ و هویت اجتماعی‌شان ضروری است تا از این طریق بتوان راه نفوذ و سلطه اندیشه‌های بیگانه را بست.

در میان ابعاد و جنبه‌های گوناگون فرهنگ و تمدن، آموزش علم و ادب به‌عنوان مؤلفه‌ای مهم، همواره مورد توجه بوده و امروزه نیز معیار توسعه‌یافتگی جوامع به‌شمار می‌رود؛ یکی از مهم‌ترین دلایل نقش بنیادی آموزش در تربیت و تعالی مادی و معنوی انسان، شکل‌گیری و توسعه فرهنگ و تمدن در جوامع اسلامی است؛ بنابراین، در تمدن اسلامی که بر پایه تعلیم و تربیت دین‌محور بنا شده، این مقوله از اهمیت بسیاری برخوردار بوده و مورد تأکید آموزه‌های اسلامی است.

باتوجه به اهمیت موضوع، شایان ذکر است که چگونگی شکل‌گیری یک نظام

آموزشی، مبانی، اهداف، منابع تولید علم، مواد و متون، روش‌ها، ابزار، سیر تحول آموزش و مراکز علمی و تأثیر آن بر تحولات اجتماعی، سیاسی و تمدنی، امروزه از جمله مباحثی است که محققان به دنبال بررسی آن هستند. عمده اهداف آنان از این کار، شناخت و کشف یک نظام آموزشی، به‌کارگیری آن در جهت تولید و توسعه علم، پرورش نخبگان و تربیت علمی و معنوی نسل جوان است؛ بنابراین، سخن از تعالی (پیشرفت) فرهنگ و تمدن اسلامی اقتضا دارد تا به این سؤال‌ها پاسخ داده شود که زمینه‌ها و عوامل تعالی یک تمدن چیست؟ این زمینه‌ها و عوامل چه بوده و چگونه ظرفیت‌هایی را ایجاد می‌کنند تا یک تمدن پیشرفت کند؟ برای پاسخ به این پرسش‌ها لازم است یک بررسی جامع ناظر به ساختار نظام آموزشی امامیه صورت گیرد و بررسی شود که چگونه بر تعالی خود که بخشی از تمدن اسلامی است و بر بعد نرم‌افزار و سخت‌افزار جامعه تأثیر می‌گذارد؟ بیشتر محققان عرصه تمدن بر این باورند که بستر و زیربنای شکل‌گیری و تعالی تمدن اسلامی در نهاد آموزش است. نهاد آموزش می‌تواند ظرفیت‌ساز مناسبی برای شکل‌گیری نهادهای اجتماعی و زمینه‌های ترقی و تعالی ابعاد دیگر دانشی و بینشی باشد.<sup>۱</sup>

برای رسیدن به اهداف پژوهش، تاکنون تحقیق مناسبی با محوریت نقش آموزش در تعالی فرهنگ و تمدن اسلامی صورت نگرفته است و تنها اثر موجود مقاله‌ای با عنوان «نقش آموزشی مساجد در تمدن اسلامی» نگاشته محمدحسین ریاحی است که در آن تنها به نقش آموزشی مکان تعلیم و تربیت اکتفا شده است؛ همچنین، کتابی با عنوان *دارالعلم‌های شیعی و نوزایی فرهنگی در جهان اسلام* نگاشته محمد کریمی زنجانی، تلاش کرده تا به تاریخ تحولات دارالعلم و نقش این مکان آموزشی در تعالی تمدن اسلامی بپردازد؛ اما این دو اثر نیز قادر به پاسخ‌گویی تمام ابعاد تأثیرگذاری نیستند. اکنون برای بررسی ابعاد موضوع، براساس روش مطرح در تحقیقات نظام آموزشی که متشکل از ساختاری همچون مؤلفه‌ها، عناصر، اصول نظام آموزشی و بررسی

۱. برای مطالعه بیشتر ر.ک: رساله دکتری محمدجواد یآوری سرتختی با عنوان «بررسی وضعیت تاریخی نظام آموزشی امامیه در پنج قرن نخست هجری»، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۶ش.

دستاوردهای مادی و معنوی آن است، لازم آمد تا ظرفیت این نظام در فرهنگ و تمدن اسلامی به عنوان یک کل و زیربنای تحولات، با تکیه بر منابع و به صورت توصیفی-تحلیلی در نظر گرفته و تحلیلی ارائه شود که چگونه این ساختار با روش اجرایی آن توانسته است به اهداف خود از جمله پیشرفت فرهنگ و تمدن اسلامی در پنج قرن نخست هجری برسد؟

### ۱. مؤلفه‌ها و عناصر ظرفیت‌ساز

برای بررسی ظرفیت نظام آموزشی امامیه در تعالی تمدن اسلامی، بازتعریف دقیق و علمی نظام آموزشی ضرورت دارد. قابل ذکر است که همه نظام‌ها بر محور هدفی استوار بوده و برای حفظ بقای خود پاسخ‌گوی نیازهای محیطی هستند که در آن به وجود آمده‌اند (طرقی و اسماعیلی، ۱۳۸۶: ص ۵۱). بر این اساس، نظام آموزشی یا تعلیم و تربیت باید به گونه‌ای طراحی و پیاده شود که بتواند نیازهای تربیتی، رشد و تکامل انسان را پاسخ گوید و مهیاکننده زمینه‌ای برای به فعلیت رسیدن و شکوفایی تمام استعدادهای انسان باشد. در چنین صورتی، نظام تعلیم و تربیت اسلامی خواهد توانست ضمن تضمین بقای خود، نظامی پویا و مستحکم باشد و اهداف بلند خود را تحقق بخشد؛ زیرا نظام آموزشی علاوه بر آنکه از نظر کیفی، مایه افزایش کیفیت زندگی، بهبود شرایط زیستی و معنوی افراد جامعه است (گروه مشاوران یونسکو، ۱۳۸۴: ص ۳۸)، مایه توجه به بعد فطرت الهی انسان نیز است.

#### ۱-۱. تعریف نظام آموزشی

اگرچه تزکیه یا تربیت، به طور غالب ناظر به تحولات اخلاقی است که در کنار تعلیم به کار می‌رود و نشانگر دو فعالیت نسبتاً متفاوت است که در یکی آگاهی‌ها انتقال می‌یابد و در دیگری، تحولات واقعی اخلاقی مورد نظر است (باقری، ۱۳۸۷، ج ۱: ص ۱۱۷)، امروزه ترکیب «تعلیم و تربیت» بسیار رواج یافته است. واژه تعلیم اعم از تربیت بوده و هر جا تربیت هست، الزاماً تعلیم نیز هست؛ بنابراین، وجه مشترک هر دو انتقال آگاهی است که در هر دو، بینش‌ها و گرایش‌ها به فراگیران منتقل می‌شود (برای مطالعه بیشتر ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ص ۲۸؛ کیلانی، ۱۳۹۰، مقدمه: ص ۱).

در یک جمع‌بندی می‌توان گفت، مقصود از «نظام تعلیم و تربیت» یا نظام آموزشی، مجموعه‌ای از اندیشه‌ها، مفاهیم و عناصر منسجم، سازمان‌یافته و هدفمند دربارهٔ تعلیم و تربیت است که از روابط متقابل و نوعی همبستگی درونی برخوردار بوده و بیانگر چگونگی فرایند آموزش است (حجتی، ۱۳۷۵: ص ۳۴۵؛ مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۷۷: صص ۱۶-۱۷). همچنین، می‌توان گفت نظام تعلیم و تربیت عبارت است از فراهم کردن زمینه‌ها و عوامل به فعلیت رساندن یا شکوفا ساختن استعدادهاى شخص در جهت رشد و تکامل اختیاری وی به‌سوی هدف مطلوب براساس برنامه‌های سنجیده شده است (رهنمایی، ۱۳۹۵: ص ۳۶۶)؛ بنابراین، در بررسی تعاریف نظام آموزشی این نتیجه قابل حصول است که نظام آموزشی متشکل از عناصر، زمینه‌ها یا مؤلفه‌ها و ویژگی‌هایی همچون انسجام، فعالیت آگاهانه و هدفمندی است که فرایند آموزش را تحقق می‌بخشد.

## ۲-۱. مؤلفه‌ها و عناصر نظام آموزشی

براساس تعریف نظام آموزشی، یک نظام آموزشی دارای مؤلفه‌ها و عناصری است که تحقق‌بخش آن هستند. این دو اصطلاح در دانش تعلیم و تربیت کاربرد داشته و ناظر به مباحث بنیادی و ساختار آموزشی بوده که فرایند آموزش مبتنی بر وجود آن‌ها تحقق می‌یابد. مراد از مؤلفه‌ها در نظام آموزشی، نشانه‌هایی هستند که بدون داشتن آن‌ها نمی‌توان هویت آن نظام را شناخت و تجزیه و تحلیل کرد؛ به عبارت دیگر، مؤلفه‌ها اموری هستند که تألیف‌کننده یا تشکیل‌دهندهٔ هویت نظام آموزشی هستند. مبانی، منابع تولید علم، جایگاه، اهداف، اصول و ارزش‌ها، ساحت‌ها، مراحل، عوامل و موانع از مؤلفه‌هایی هستند که ترسیم و تبیین دقیق آن‌ها به ما کمک می‌کند تا بتوانیم شکل‌گیری، تداوم، هویت، تمایز و استقلال یک نظام آموزشی و تأثیرات آن بر تحول جامعه را بشناسیم (برای مطالعهٔ بیشتر ر.ک مصباح یزدی، ۱۳۹۱: صص ۶۵، ۲۱۱).

اصطلاح عناصر نظام آموزشی نیز، از واژگان رایج در علم تعلیم و تربیت است که نزد متخصصان این علم کاربرد داشته و مراد از آن کارایی و مکانیسم به‌کارگیری یا اموری هستند که در فرایند تحقق آموزش دخالت دارند (همت‌بناری، ۱۳۸۸: ص ۷۳). این عناصر متشکل از نیروی انسانی یا غیرانسانی هستند؛ بنابراین، اگر عملیات آموزش

را انتقال دانش به فرد فراگیر معنا کنیم، بی‌شک این فرایند دارای عناصری است که نقش مهمی را در اجرای آموزش ایفا می‌کنند (مبیدی، ۱۳۹۳: ص ۲۲؛ ر.ک: صفری فروشانی، ۱۳۸۱؛ عبداللهی، ۱۳۸۷: صص ۱۰۴-۸۲). همچنین، اگر هر یک از این عناصر حتی به‌طور نسبی شناسایی و به‌کار گرفته شود، می‌تواند مسیر رشد و موفقیت علمی و آموزشی را فراهم کند. بی‌تردید، معلم (مربی)، دانش‌آموز، مواد یا محتوا، مراکز (نهادهای) آموزشی، شیوه‌ها و ابزار آموزشی، همراهی تعلیم و تربیت و منابع مالی از عناصر نظام آموزشی و در فرایند آموزش، نشان‌دهنده گستره فعالیت‌ها، نوآوری‌ها و تمایز و استقلال آن هستند.

### ۳-۱. مبانی و اهداف نظام آموزشی

#### ۱-۳-۱. مبانی

از جمله مؤلفه‌ها یا پیشران‌های مؤثر بر شکل‌گیری یک نظام آموزشی و حتی اعتلای تمدن اسلامی یا به‌عبارت دیگر، تأثیرگذار بر تولید و پاسخ‌گویی به نیازهای بشر، مبانی و اهداف نظام آموزشی است. مبانی تعلیم و تربیت اسلامی از جایگاه آدمی در نظام هستی، محدودیت‌ها، ظرفیت‌ها، سیر حرکت و نیز از ضرورت‌هایی که حیاتش همواره تحت تأثیر آن‌ها قرار دارد، بحث می‌کند. در تعلیم و تربیت، مبانی به سه دسته علمی، فلسفی و دینی تقسیم می‌شود که در این موضوع تنها مبانی دینی مطرح می‌شود. مبانی دینی، گزاره‌های بنیادی آموزشی هستند که از منابع و متون دینی برگرفته شده است. مبانی دینی، زیرساخت اعتقادی و نوع شناخت هر مکتبی از مبدأ هستی، جهان، انسان، هدایت و رهبری است. اهداف و خط‌مشی‌ها نیز باید براساس آن مبانی بنیان نهاده شود (اعرافی، ۱۳۸۷، ج ۱: ص ۳۲؛ رحیمیان، ۱۳۸۵: ص ۴).

مبانی آموزش در اسلام، ناظر به مبدأ حرکت آموزشی و تربیتی و ویژگی‌های آن هستند. هر مکتبی بر پایه مبانی و منابع خاص خود به ترویج و آموزش باورها، قوانین و احکام می‌پردازد. این مبانی و منابع ثابت و فرازمانی تأثیر مستقیمی در اندیشه و رفتار انسان‌ها دارند. مکتبی که مبانی و منابع آن الهی باشد با مکتبی که انسان را مادی می‌بیند، به‌طور کلی متضاد بوده و هرکدام آثار خاصی را در امر آموزش و هدایت علمی و

تمدنی بشر خواهند داشت؛ بنابراین، می‌توان گفت بین مبانی و اهداف نظام آموزشی در اسلام ارتباط تنگاتنگی وجود دارد (برای مطالعه بیشتر ر.ک: رهنمایی، ۱۳۹۵: ص ۲۸).

### ۱-۳-۲. اهداف

بیان شد که نظام آموزشی اسلام همانند هر نظامی دارای مبانی و اهدافی است؛ بنابراین، در گام بعدی، باید روشن ساخت که براساس این مبانی، چگونه می‌توان به آن اهداف رسید (مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ص ۶۷)؛ زیرا هدف، جهت کار و نقطه شروع فعالیت‌های آموزشی را نشان می‌دهد (شریعتمداری، ۱۳۷۰: صص ۱۶۳، ۱۱).

براساس روایات (طوسی، ۱۴۱۲ق: ص ۴۵۱)، می‌توان سه هدف دینی، علمی و دنیوی را از آموزش دنبال کرد؛ زیرا فراگیری علم می‌تواند زمینه‌ساز کسب ثروت و مایه زینت انسان باشد (ابن‌عبدالبر، ۱۴۲۱ق: ص ۸۱) و آنچه از منظر اسلام ارزشمندتر است، تنها فراگیری علم و کسب ثروت نیست، بلکه رسیدن به مرحله تهذیب نفس، تقرب به خدا، شناخت معارف دین، تولید علم و فکر، انتقال دانش و مهارت‌ها از نسلی به نسل دیگر، انتقال ارزش‌های فرهنگی، پرورش انسان در جهت توسعه همه‌جانبه شخصیت و توسعه توانایی‌های طبیعی انسان بخشی از اهداف نظام آموزشی است. گاهی این اهداف ناظر به قابلیت‌های وجودی انسان یعنی پرورش انسان صالح و کامل است و گاهی ناظر به ساحت‌های وجودی انسان یعنی بینشی، گرایشی و رفتاری است. می‌توان گفت این اهداف تعیین‌کننده کیفیت، کمیت، اولویت منابع، متون، نیازها و ساحت‌های آموزشی هستند.

تأکید آیات و روایت بر هدف‌گذاری در آموزش، به فراگیران جهت می‌دهد که باید غایت آنان از تحصیل، رضا و قرب‌الهی باشد؛ ازاین‌رو، شیعیان معتقد بودند تنها با پیروی از قرآن و دستورات ائمه اطهار<sup>علیهم‌السلام</sup> این امر تحقق می‌یابد. آنان در زندگی خویش تلاش می‌کردند تا آن دستورات را به‌کار گیرند؛ زیرا عمل نکردن به دستورات معصومان، خروج از ولایت‌الهی و دخول در گروه ستمکاران است (ابن‌بابویه، ۱۴۰۳ق: ص ۷۴). این تأثیرات در نظام آموزشی شیعه چنان بود که کلینی کتاب *الکافی* را با همین هدف تألیف کرد. وی می‌نویسد: «این کتاب برای طالب دین مرجع می‌باشد.

کسی که عمل به اخبار صحیح امامان صادق علیهم السلام و سنت‌های ثابت را می‌خواهد، از این کتاب بهره بگیرد و واجبات خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله به کمک آن ادا شود» (کلینی، ۱۴۰۴ق، مقدمه: صص ۹-۱).

همچنین، یکی از اهداف نظام آموزشی ایجاد انگیزه و رشد خردورزی است. هر مقدار انگیزه عالی‌تر باشد، حرکت و فرایند آموزش و پژوهش، نظام‌مندتر و موفق‌تر است؛ زیرا انگیزه و عشق، عامل مهمی در ایجاد و بروز خلاقیت است. با کمک آن، انسان به دنبال نیازهای خود می‌رود و ضمن شناسایی مشکلات پیش‌روی، برای عبور از آن‌ها و رسیدن به اهداف عالی‌تر تلاش چشمگیری دارد. تأکید فزاینده بر عقل نیز به‌عنوان یک مرجع در کشف مطلوب (مفید، ۱۴۱۴ق: ص ۱۴۹)، موجب پیدایش تحولاتی به‌ویژه در میان متکلمان و عقل‌گرایان شد (شمساوری، ۱۳۹۲: ص ۲۶۴)؛ بنابراین، یکی از آثار و برکات بالا بردن بینش و رشد خردورزی، تولید فکر و تدوین روش‌های متقن تبیین مبانی و اندیشه از سوی عالمان شیعه بود. هشام‌بن حکم، شیخ مفید، شیخ طوسی، سید مرتضی، خاندان نویختی و دیگران از جمله عالمانی هستند که توانستند با بهره‌گیری از ابزار عقل افزون‌بر تولید آثار علمی و تبیین جایگاه و غنای منابع شیعی از جمله عقل، به بقا و گسترش منابع آموزشی و تشیع در مناطق مختلف کمک کنند.

#### ۴-۱. منابع تولید علم

باتوجه به وجود و اهمیت نقش مبانی و اهداف نظام آموزشی در تولید علم، اکنون باید دید چه مؤلفه‌های دیگری به‌عنوان ظرفیت‌ساز تعالی تمدن اسلامی در نظام آموزشی امامیه وجود دارد؟ در بررسی از ساختار نظام آموزشی می‌توان گفت منابع تولید علم (محتوای آموزش و علوم برآمده از آن منابع) می‌تواند از دیگر مؤلفه‌های ظرفیت‌ساز باشند؛ زیرا در هر نظام آموزشی لزوم داشتن منابعی استوار و غنی امری ضروری است. منابعی که فرهنگ‌ساز باشد، قابلیت تولید علم را داشته باشد و بتواند در هر زمانی پاسخ‌گوی نیاز بشر و مرجع نهایی صدق و کذب قضایا باشد؛ به‌عبارت دیگر، هر نظام آموزشی علاوه‌بر تهیه متن و مواد، ابزار کشف معرفت و دانش را نیز برای آموزش به مخاطبان خود طراحی کرده است. امامیه نیز از این قاعده مستثنا نبوده و قرآن، سنت



نبوی و ائمه اطهار<sup>علیهم‌السلام</sup> را در کنار عقل و تجربه به‌عنوان منابع و مصادر فرهنگ و شریعت تمدن‌ساز در نظر گرفته است.

قرآن کریم، علم الهی معصومان<sup>علیهم‌السلام</sup> و عقل زمینه‌ای بود تا شیعیان با تکیه بر آن به نیازهای فردی و اجتماعی و سؤالات و شبهات موجود در جامعه پاسخ داده و خود را از دیگران متمایز کنند. قرآن، توان پاسخ‌گویی به نیازهای مادی و معنوی بشر را دارد و جهان‌شمول است.<sup>۱</sup> به گفته زرین‌کوب: «بی‌شک علت عمده حصول معجزه یا تمدن اسلامی در بین مسلمانان، ذوق معرفت‌جویی و حس کنجکاوی، تشویق و توصیه قرآن و رسول خدا<sup>صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم</sup> بود» (زرین‌کوب، ۱۳۶۹: ص ۳۵)؛ بنابراین، براساس جامعیت و جاودانگی قرآن در پاسخ‌گویی به نیازهای بشر، ائمه اطهار<sup>علیهم‌السلام</sup> و دانشمندان شیعه<sup>۲</sup> در تبیین آموزه‌ها و پاسخ‌گویی به سؤالات و شبهات مردم به آیات الهی استناد یا علوم لازم را استخراج می‌کردند.

علم امام منبعی است که قدرت تولید و توسعه علوم را دارد. علوم حدیث، کلام، تفسیر، ادبیات عرب و فقه برآمده از علم امامت هستند. به‌عنوان نمونه، حُمران بن اعین و قیس بن ماصر از جمله کسانی بودند که دانش کلام را از امام سجاد<sup>علیه‌السلام</sup> آموخته بودند (ابوغالب زراری، ۱۳۶۹: ص ۱۳). شیعیان بعد از کسب علم از محضر ائمه اطهار<sup>علیهم‌السلام</sup> به ترویج آن از طریق فعالیت‌های مختلف می‌پرداختند و نتیجه روی‌آوری شیعیان به علم امام، تقویت بنیه علمی و تربیت شاگردان برجسته و متخصص در حوزه‌های مختلف دین بود (طوسی، ۱۴۰۹ق، ج ۲: ص ۵۴۴). از دیگر آثار علم امامان شیعه<sup>علیهم‌السلام</sup>، بنا بر گزارش ابن‌حجر هیممی (م ۹۷۴ق) آن بود که «مردم به‌اندازه‌ای علم از امام صادق<sup>علیه‌السلام</sup> نقل کردند که به‌سبب آن، کاروان‌ها راه افتادند و شهرتش در تمام سرزمین‌ها پیچیده و عالمان بزرگی همانند یحیی بن سعید، ابن‌جریح، مالک بن انس، سُفیان ثوری، سُفیان بن عیینه، ابوحنیفه، ابن‌شعبه و ایوب سخّتیانی از او نقل حدیث کرده‌اند» (ابن حجر هیممی، ۱۳۸۵ق: ص ۲۰۱).

۱. «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (سبأ: ۲۸).

۲. چنان‌که هشام بن حکم با اشاره به آیه ۷۱ سوره زخرف به شرح و تفسیر این آیه در ردّ عقیده نظام معتزلی پرداخت «(طوسی، ۱۴۰۹ق، ج ۲: ص ۵۵۲).

## ۵-۱. اصول آموزشی

اصول آموزشی راهنمای عمل مربی است؛ مربی در محدوده اصول کلی، به تدابیر آموزشی می‌اندیشد و به کار می‌بندد. اصول با مبانی در ارتباط است و با تکیه بر مبانی و واقعیت‌های مربوط به تربی در نظر گرفته می‌شود (برای مطالعه بیشتر ر.ک: همت‌بناری، ۱۳۸۸: ص ۷۲). پژوهشگران و متخصصان عرصه تعلیم و تربیت، اصول متعددی را برای نظام تعلیم و تربیت یا تربیت اسلامی ترسیم می‌کنند. در این اصول، مشترکات و مفترقاتی وجود دارد و به مباحث و محورهایی همانند ارزیابی، نیازسنجی، ایجاد انگیزه و تفقه، توجه به کرامت انسان، زنده‌نگاه‌داشتن یاد خدا، تدریجی و فرایندی بودن آموزش، همگانی بودن آموزش، اولویت‌ها، برنامه‌ریزی، تقویت روحیه همگرایی و مسؤلیت‌پذیری، توجه کرده‌اند (برای مطالعه بیشتر ر.ک: شاملی، ۱۳۸۴؛ مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ص ۲۹۹؛ حسینی‌زاده، ۱۳۸۵: صص ۷۳-۳۳)؛ اما به نظر می‌رسد همه این امور از اصول نبوده و برخی از آن‌ها ویژگی‌ها یا اهداف آموزشی هستند. در کنار برخی از امور یادشده، همگانی بودن (کراجکی، ۱۴۱۰ق، ج ۲: ص ۱۰۷)،<sup>۱</sup> همراهی تعلیم و تربیت (ابن‌بابویه قمی، ۱۳۶۲، ج ۱: ص ۲۸۴)، تداوم و تدریجی بودن (کلینی، ۱۴۰۴ق، ج ۶: ص ۴۷، ج ۳؛ ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق: ص ۱۰۴) و تکیه بر نصوص اهل‌بیت<sup>ع</sup> (برای نمونه ر.ک: مفید، ۱۴۱۳ق. د: صص ۷۱، ۵۳؛ طوسی، ۱۴۰۹ق، ج ۱: ص ۴۱۵) از مهم‌ترین اصول آموزشی امامیه در پنج قرن نخست هجری هستند که تأثیر هم‌زمانی بر تعالی نظام آموزشی و تمدن اسلامی دارند. از آثار این اصول، با درگیر کردن تمامی افراد جامعه و استمرار آموزش، ضمانت اجرایی محتوا فراهم می‌شود.

## ۶-۱. عوامل و پیشران‌های اثرگذار

از جمله ظرفیت‌های نظام آموزشی در منطق و رفتار امامیه، برخورداری از پیشران‌ها یا عوامل یا مؤلفه‌های مؤثر بر اعتلای تمدن اسلامی است. این پیشران‌ها یا مؤلفه‌ها می‌تواند به‌عنوان عامل اصلی یا فرعی یا ایجابی یا سلبی بر تولید محتوا و علم اثرگذار

۱. «بسیاری از زنان شیعه به کسب علم به‌ویژه حدیث اهل‌بیت<sup>ع</sup> و نشر آن‌ها می‌پرداختند» (طوسی، ۱۴۰۹ق: ص ۵۱؛ مفید، ۱۴۱۳ق. ز: ص ۴۰؛ همو، ۱۴۱۳ق. الف، ج ۲: ص ۶).

باشند. پیشران‌ها عناصری هستند که باعث حرکت و تغییر در طرح اصلی سناریوها شده و سرانجام کارها را مشخص می‌کنند. بدون وجود نیروهای پیشران، هیچ راهی برای شروع تفکر از طریق سناریوها وجود ندارد؛ بنابراین، شناخت عوامل و پیشران‌ها، ما را در تجزیه و تحلیل یک دوره تاریخی و فهم نشانه‌های مستقیم و غیرمستقیم، اصلی و فرعی یا ایجابی و سلبی تأثیرگذار بر شکل‌گیری گونه‌های مختلف فعالیت‌های آموزشی کمک می‌کند.

به نظر می‌رسد با توجه به رصد مفاهیم و داده‌های تاریخی و حدیثی، پیدایی مذهب شیعی با تکیه بر مبانی خاص از جمله امامت الهی و وجوب اطاعت از آنان و همچنین، علم و عصمت امام، آموزشی بودن تعالیم مذهب، ضرورت فراگیری تعالیم شیعی برای رسیدن به سعادت و دفاع از باورها از پیشران‌های اصلی و پراکندگی جمعیت، وضعیت سیاسی و اجتماعی حاکم بر جامعه شیعه، برخورداری از منابع مالی، نقش دانشمندان شیعه و حمایت دولت‌های شیعه از شیعیان، از عوامل فرعی رشد کمی و کیفی نظام آموزشی و تأثیرگذار بر استقلال و حفظ هویت این نظام هستند.

با تأکید بر دانش‌اندوزی، مردم احادیث فراوانی را نقل کردند و آوازه علوم آنان در اطراف و اکناف سرزمین اسلام پیچید و بسیاری مشتاق شنیدن علوم آنان شدند و به نقل آن‌ها می‌پرداختند (مفید، ۱۴۱۳ق. الف، ج ۲: ص ۲۸۸)؛ تاجایی که اهتمام حسن‌بن محبوب بر تربیت فرزندش به حدی بود که جهت ترغیب او در یادگرفتن حدیث، در مقابل هر حدیثی که از علی بن رئاب بشنود و بنویسد، یک درهم به او بدهد (طوسی، ۱۴۰۹ق، ج ۲: ص ۸۵۱).

آموزشی بودن محتوای دین و ضرورت شناخت آن، دفاع از دین و گسترش مذهب، اهل‌بیت<sup>علیهم‌السلام</sup> را بر آن داشت تا در آن شرایط سخت سیاسی و اجتماعی به تربیت شاگردان برجسته‌ای پردازند که از طریق آنان به آموزش و تربیت مردم همت گمارند. آنان شاگردان خود را به سمت اجتهاد و بهره‌وری از عقل به‌عنوان یک ابزار می‌کشاندند تا در مناطق مختلف جهان اسلام و در عدم دسترسی مردم به پیشوایان دین، به تعلیم و تربیت دینی و سیاسی مردم پردازند. به همین دلیل، فقیهانی همانند جمیل بن درّاج، زراره، محمدبن مسلم ثقفی و دیگر شاگردان امام صادق<sup>علیه‌السلام</sup>، حلقه درس و تألیفات

حدیثی داشتند (طوسی، ۱۴۰۹ق، ج ۱: ص ۳۴۶). ابوخلد کابلی در عصر صادقین علیهم السلام به کوفه منتقل شد و در آنجا کرسی درس داشت. وی در محضر اصْبَغ بن نُباته و یحیی بن اَمِّ طَوِيل کسب علم کرده بود و شاگردانی چون سُدیر صیرَفی، هشام بن سالم و جمیل بن صالح را تربیت کرد (کلینی، ۱۴۰۴ق، ج ۶: ص ۲۸۰؛ طوسی، ۱۴۱۴ق. الف: ص ۶۲۵). همچنین، ابن جنید در مناظره با حنفیان خراسان از باورهای شیعی دفاع کرد (مفید، ۱۴۱۳ق. ج: ص ۵۶) و آنچه سید مرتضی در خدمت تقویت اسلام و گسترش شریعت، در جواب منکران توحید و رسالت، همچون فلاسفه یونان، زنادقه و براهمه کرده، کسی را قوت نبوده است (قزوینی رازی، ۱۳۵۸: ص ۴۰).

بی تردید، همت و کوشش مضاعف دانشمندان عامل رونق تمدن اسلامی است. در طول تاریخ، هیچ تمدنی بدون حرکت نخبگان و اهل علم رشد نکرده است؛ زیرا بخش عمده تلاش آنان در ساحت تولید علم بوده است. آنان به عنوان بنیان گذاران و پاسداران تمدن اسلامی با درک شرایط علمی و فرهنگی به جهاد علمی پرداخته و با توسعه کمی و کیفی، به تولید علم و محتوای آموزشی کمک شایانی کرده اند. این نقش زمانی دوچندان می شود که آنان افزون بر ایده پردازی و نیازسنجی، موانع اعتلا و ارتقای علوم انسانی را بررسی و برطرف کنند. چنان که امام صادق علیه السلام از بُرید بن معاویه عَجلی، ابوبصیر لیث بن بختری، محمد بن مسلم و زراره با عنوان نجبا و امینان خدا بر حلال و حرام یاد کرده و می فرماید: «اگر اینان نبودند آثار و معالم نبوت به فراموشی سپرده می شد یا از بین می رفت» (طوسی، ۱۴۰۹ق، ج ۱: صص ۳۹۸، ۳۴۵) و بنابر گفته ترمذی «اگر جابرین یزید جعفی نبود کوفه، که یک مرکز عمده حدیث در قرن دوم هجری بود، از حدیث تهی می شد» (ترمذی، ۱۴۰۳ق، ج ۱: ص ۱۲۳).

بخشی از وظایف مدیران در نظام آموزشی امامیه مدیریت علمی و آموزشی است. مدیریت و مرجعیت آنان عامل مهمی در بالابردن سطح کمی و کیفی و کنترل این نظام بود. بنابر گزارش ابن خلکان (م ۶۸۱ق)، سید مرتضی در عصر خود از چنان جایگاه رفیع علمی برخوردار بود که امام و پیشوای دانشمندان عراق اعم از سنی و شیعه شده بود و علمای عراق برای حل مشکلات علمی خود به او پناه می بردند و ریاست علمی عراق به او ختم می شد (ابن خلکان، بی تا، ج ۳: ص ۳۱۴؛ ذهبی، ۱۹۶۱م، ج ۳: ص ۱۱۴).

عامل و پیشران دیگر مؤثر بر اعتلای تمدن اسلامی، حمایت حکومت‌های شیعی از نظام آموزشی امامیه بود. با برقراری آزادی نسبی در عصر آل‌بویه، این فرصت برای شیعیان فراهم شد تا جایگاه علمی و اجتماعی خود را به‌دست آورده و مراکز علمی آموزشی خود را در شهرهای مختلف تأسیس و رونق دهند. شکل‌گیری مراکز علمی جدیدی همچون کتابخانه و دارالعلم از سوی شیعیان و حاکمان شیعه، یکی از پیامدهای آن است. سید مرتضی اولین کسی است که منزل خود را دارالعلم قرار داد و در مجلس درس او علمای بزرگی از مذاهب مختلف شرکت می‌کردند و به مناظره و مباحثه می‌پرداختند (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۹۰ق، ج ۴: ص ۲۲۳). عضدالدوله دیلمی در احترام و حمایت از دانشمندان شیعه از جمله شیخ مفید، کوشا بود (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۹۰ق، ج ۵: ص ۳۶۸) و با حمایت وی وضع علمی جامعه بهبود یافت (مسکویه رازی، ۱۳۷۹، ج ۶: ص ۴۵۷). همچنین، وزرا و صاحب‌منصبان آل‌بویه همانند ابوالفضل بن عمید در شهر ری (مسکویه رازی، ۱۳۷۹، ج ۲: ص ۲۲۴)، صاحب‌بن‌عباد و شاپورین اردشیر در بغداد (ابن جوزی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۴: ص ۳۶۶)، با ساختن کتابخانه کمک شایانی به رشد علم و نشاط نظام آموزشی کردند. دولت‌های کوچک شیعی نیز همانند بنی‌عمار در طرابلس با تأسیس دارالعلم و حمایت از عالمان شیعه، زمینه رشد و گسترش تشیع و آموزه‌های دینی، علمی و تمدنی را در این سرزمین فراهم کردند (عثمان، ۱۴۱۴ق: صص ۲۵-۲۰).

## ۲. ویژگی‌های ظرفیت‌ساز

افزون‌بر عناصر، ویژگی‌های نظام آموزشی نیز ظرفیت‌ساز تعالی نظام آموزشی و از طریق آن عمدتاً تعالی علوم در تمدن اسلامی هستند. مدیریت، هدفمندی، رصد نیازهای جامعه اسلامی، نیازسنجی، برنامه‌ریزی، نظارت و ارزیابی و برخورداری از نظام آموزشی پژوهش‌محور از ویژگی‌ها یا شاخصه‌های نظام آموزشی است که می‌تواند فرایند آموزش را به تولید علم و محتوا تبدیل کند.

### ۱-۲. مدیریت

مدیر نظام آموزشی می‌تواند با تکیه بر وظایف مدیریتی، توانایی انتقال و تولید علم، حراست از منابع و محتوا، خلاقیت و نوآوری را در افراد ایجاد و ترویج کند یا رفتار و

عملکرد او می‌تواند مانع این امر حیاتی شود. هنرِ مدیرِ خلاق آن است که باوجود محدودیت نیروی انسانی و مالی، منافع و موانع موجود، نظامی را طراحی و مدیریت کند که بتواند فرایند آموزش از انتقال و تولید علم را فراهم کرده و یک نهضت علمی را برای عبور از بحران‌ها و حفظ هویت ایجاد کند؛<sup>۱</sup> به عبارت دیگر، رهبری یک فرایند دوجانبه، تبادلی و تحول‌ساز است که طی آن، ضمن تأثیرگذاری بر تابعان، به آنان انگیزه می‌دهد تا در مسیر تحقق اهداف فردی و گروهی گام بردارند.

امامیه با تکیه بر ادله عقلی و نقلی بر این باورند که مدیریت نظام آموزشی بعد از رسول خدا ﷺ بر عهده امام معصوم و کسی است که افزون‌بر توان مدیریتی و صالح بودن، آگاهی (علم) بیشتری به دین و سازوکار انتقال آن به فراگیران داشته باشد (سید رضی موسوی، ۱۴۱۴ق، خطبه ۱۷۳: ص ۲۴۸). امام، نه تنها رئیس اداری، قضایی و نظامی امت است، معلم و مربی مردم در امور تربیتی نیز است (مفید، ۱۴۱۳ق. د: ص ۶۵؛ همو، ۱۴۱۳ق. ه: ص ۵۳)؛ از این رو، امیرمؤمنان علیؓ در خصوص شرح وظایف حاکم اسلامی، آموزش و پرورش مردم را اصلی‌ترین حقوق مردم بر امام و حاکم اسلامی می‌داند و در این باره می‌فرماید: «مردم، من را بر شما حقی است و شما را بر من حقی است. حقی که شما به گردن من دارید، اندرز دادن، نیکوخواهی و تعلیم دادن شماست تا جاهل نمانید؛ تأدیب شماست تا بیاموزید و بر طبق آن رفتار کنید» (سیدرضی موسوی، ۱۴۱۴ق، خطبه ۳۴: ص ۹۹). «امام و حاکم اسلامی موظف است تا معارف اسلامی و ایمانی را به افراد تحت حکومتش آموزش دهد» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ج ۲: ص ۲۹).

در عصر حضور، شیعیان هنگام عدم دسترسی به امام معصوم به نمایندگان و فقهای مورد تأیید آنان مراجعه می‌کردند. در عصر غیبت نیز فقهای شیعه به دلیل نیابت عام از ائمه اطهار<sup>علیهم‌السلام</sup> (التفسیر، ۱۴۰۹ق: ص ۳۰۰)، وظیفه هدایت دینی مردم را برعهده دارند. به عنوان نمونه شیخ مفید تعلیم و تربیت دینی مردم را در عصر غیبت، وظیفه فقیه عادل، عاقل، کاردان و اهل فضل و دانش می‌داند (مفید، ۱۴۱۳ق. و: صص ۸۱۰، ۶۵۷). بر پایه

۱. برای شناخت نقش مدیر در خلاقیت‌های آموزشی و پرورشی، ر.ک.: عبداللهی، ۱۳۸۷: صص ۱۰۴-۸۲.

این اندیشه، دانشمندان به‌عنوان مرجع علمی و آموزشی و محل رجوع شیعیان بودند. آنان افزون بر تدریس و تربیت شاگردان، نگارش رساله یا مسائل‌نگاری، حراست از آموزه‌ها، به نیازهای علمی و آموزشی جامعه شیعه پاسخ می‌دادند؛ از این رو، از احمدبن محمدبن عیسی اشعری، شیخ صدوق، ابوسهل نوبختی، شیخ مفید، شیخ طوسی و سید مرتضی به‌عنوان مرجع و زعیم شیعیان، رئیس مدارس و عالمان شیعه یاد شده است (طوسی، ۱۴۲۰ق: ص ۳۱۴؛ ثعالبی، ۱۴۲۰ق، ج ۵: ص ۶۹). نجاشی درباره شیخ صدوق می‌نویسد: «ابوجعفر، شیخ، فقیه و بزرگ طائفه شیعه در خراسان، هنگامی که جوان بود، وارد بغداد شد و شیوخ شیعه از او حدیث شنیدند» بنابراین گزارش ابن‌خلکان، سید مرتضی نیز در عصر خود از چنان جایگاه رفیع علمی برخوردار بود که امام و پیشوای دانشمندان عراق اعم از سنی و شیعه شده بود و علمای عراق برای حل مشکلات علمی خود به او پناه می‌بردند و ریاست علمی عراق به او ختم می‌شد (ابن‌خلکان، بی‌تا، ج ۳: ص ۳۱۴؛ ذهبی، ۱۹۶۱م، ج ۳: ص ۱۱۴).

## ۲-۲. هدفمندی

هدفمندی محور مهمی در اثبات یک نظام آموزشی موفق و کارآمدی آن است. همه نظام‌های آموزشی دارای اهداف بوده و برای بقای خود، پاسخ‌گوی نیازهای محیطی هستند (طُرقی و اسماعیلی، ۱۳۸۶: ص ۵۱). گروهی غایت از آموزش را سعادت‌مندی مادی و معنوی انسان می‌دانند و نظام‌های مبتنی بر مبانی ماده‌گرایی، اجتماعی‌شدن را هدف نهایی خود می‌دانند؛ اما باید دانست که این درخواست، کامل نیست، زیرا در این نظام‌ها، جنبه تربیت دینی فراموش می‌شود (گلشن فومنی، ۱۳۸۲: صص ۵۵-۵۴). بنابراین، انتقال فرهنگ یا ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارها با برگزاری آموزش هدفمند و در کلیه سطوح به‌وسیله نهاد تعلیم و تربیت، موجبات همگونی و انسجام اجتماعی افراد را فراهم می‌کند (همان: ص ۶۷) و باید نظام آموزشی به‌گونه‌ای طراحی و اجرا شود که بتواند نیازهای تربیتی و تکامل یا مادی و معنوی انسان را پاسخ گفته و مهیاکننده زمینه‌ای برای به‌فعلیت رسیدن و شکوفایی تمام استعدادهای وی باشد. در چنین صورتی، نظام تعلیم و تربیت خواهد توانست ضمن تضمین بقای خود، نظامی پویا و مستحکم بوده و اهداف بلند خود را تحقق بخشد (گروه مشاوران یونسکو، ۱۳۸۴: ص ۳۸).

### ۳-۲. نیازسنجی و برنامه‌ریزی

آموزش و پرورش نقش اساسی در تحول جوامع دارد؛ از این رو، نیازهای آموزشی شیعیان تأثیر زیادی بر اولویت‌های آموزشی داشت و جامعه شیعه را از رکود و انفعال خارج کرد؛ بنابراین، اولین اولویت آنان رصد نیازها و مشکلات یا نیازسنجی و تعیین محور و مواد آموزشی شیعیان بود تا خود را مجهز به سلاح علم کرده و بتوانند از مذهب تشیع دفاع یا آن را تبیین کنند. به عنوان نمونه، هشام بن حکم، زراره و عبدالرحمن بن حجاج آگاهی زیادی درباره‌ی آرا و روش‌های استدلال فقهی اهل سنت عراق و دیگر مناطق داشتند. امام صادق علیه السلام گاهی درباره‌ی دیدگاه‌های فقهی مردم عراق از آنان پرسش می‌کرد و از آنان از جمله عبدالرحمن بن حجاج کمک می‌خواست (ر.ک.: کلینی، ۱۴۰۴ق، ج ۶: ص ۴۱۰، ح ۱۱، ج ۷: ص ۲۸۰، ح ۱، صص ۲۶-۲۷، ح ۱). همچنین، هشام بن حکم می‌گوید: «من در منا از امام صادق علیه السلام پانصد سؤال درباره‌ی علم کلام پرسیدم و گفتم که آنان (عامه) چنین می‌گویند و امام در مورد هر مسئله می‌فرمودند: تو هم این‌گونه پاسخ بده» (صفار، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ص ۱۲۳). نیز امام کاظم علیه السلام فرمودند: «به هشام بن حکم بگویند چیزی درباره‌ی باورهای قدریه و نقد آن بنویسد و برای من بفرستد. هشام آن را نوشت و خدمت امام عرضه کرد و امام فرمودند: همه‌چیز در آن آمده است» (طوسی، ۱۴۰۹ق، ج ۲: ص ۵۴۳).

گام بعد از نیازسنجی، برنامه‌ریزی تحصیلی است تا از طریق آن بتوان ضمن انتقال آموزه‌ها، مقدمات تعالی علوم را برای رهیافت به نتایج عینی و تولید علوم پیمود. می‌توان گفت نیازهای آموزشی شیعیان تأثیر زیادی بر اولویت‌ها و برنامه‌ریزی آموزشی آنان داشت و جامعه را از رکود و انفعال خارج کرد. اولین اولویت آنان تبیین مرجعیت علمی اهل بیت علیهم السلام و تولید متن آموزشی بود؛ زیرا نبود مرجعیت علمی و متون متناسب، منسجم و مستحکم می‌تواند به حذف تدریجی معرفت و باورهای دینی از جامعه بینجامد؛ از این رو، پرورش نیروهای دین‌شناس، تهیه متون آموزشی و اقدام برای عملیاتی کردن داده‌های آموزشی در دستور کار امامیه قرار گرفت.

شیعیان امامیه با درک مسائل مستحدثه، حضور فعال و به‌موقع، تعمیق فرهنگ دینی، حراست از شریعت، ارائه الگوی مناسب، رفع کمبودها و اصلاح نقاط ضعف، اجتهاد در فقه و علوم وابسته برای فتوا و تخصصی کردن مسائل مرتبط را در دستور کار خود



قرار دادند. به‌عنوان نمونه، افزون‌بر عالمان عصر حضور، شیخ صدوق چندین رساله فقهی برای مردم خراسان و دیگر مناطق تدوین کرد (ابن بابویه قمی، ۱۴۱۵ق: ص ۵). کتاب‌های *المسائل* یا *الکافی* نگاشته محمدبن یعقوب کلینی (کلینی، ۱۴۰۴ق، مقدمه: صص ۹-۱) برای پاسخ به نیازهای شیعیان و کتاب‌های *الغیبه* و *کشف الحیره* برای پاسخ به بحران ناشی از غیبت امام زمان علیه السلام به نگارش درآمد (به‌عنوان نمونه ر.ک: نجاشی، الرجال: صص ۳۹۲، ۳۷۲، ۱۹۲).

همچنین، با آغاز مناظرات علمی در موضوعات گوناگون و رشد فرقه‌های مذهبی و کلامی، در پی نیازسنجی و برنامه‌ریزی دقیق، فعالیت‌های مختلفی از قبیل تدریس، تبلیغ، اعزام نماینده برای پیگیری مسائل دینی، تألیف کتاب در موضوعات مختلف و رساله‌های فقهی (نجاشی، الرجال: ص ۴۸)، شرح‌نویسی و نسخه‌نویسی (ابن ندیم، بی‌تا: ص ۲۲۵)، مناظره (مفید، ۱۴۱۳ق. ج: ص ۵۶؛ طوسی، ۱۴۱۴ق. ب: ص ۲۶۰)، ردیه‌نویسی، نقد فلسفه یونان (طوسی، ۱۴۲۰ق: ص ۱۲۱)، ترجمه متن فارسی به عربی (ابن ندیم، بی‌تا: صص ۳۳۳، ۳۰۵، ۲۲۵)، پالایش متون دینی (نجاشی، الرجال: ص ۸۰؛ ابن بابویه قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ص ۳)، رصد آثار و دیدگاه‌های فقهی و کلامی اهل سنت (جلال‌الدین سیوطی، طبقات المفسرین: ص ۸۰) و رفع اختلافات حدیثی داشتند.

## ۲-۴. نظارت و ارزیابی

امروزه در مراکز علمی و آموزشی، نهاد یا بخشی با عنوان نظارت و ارزیابی وجود دارد که وظیفه اصلی آن، رسیدگی به محتوا، شیوه‌های آموزشی، نیروی انسانی و مجموعه فعالیت‌های آنان برای کیفیت و کمیت بخشی، رفع یا دفع آسیب‌های موجود و تربیت نیروی متخصص است؛ زیرا در صورت عدم مراقبت از نظام آموزشی، اهداف از پیش تعیین شده حاصل نمی‌شود.

می‌توان گفت براساس تبیین ضرورت وجود نهاد نظارت و ارزیابی آموزشی، امامیه برای رسیدن به اهداف بلندمدت خویش از چنین اقداماتی برخوردار بوده است. در تأیید این نظریه شایان ذکر است بعد از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله، اهل بیت علیهم السلام وظیفه دارند از محتوای آموزشی، فرایند آموزش و آموخته‌ها و رفتار فراگیران حراست کنند. کنترل،

نظارت و ارزیابی در حراست از محتوا و انتقال علوم، یکی از وظایف آنان است؛ به عبارت دیگر، در نظام آموزشی امامیه راهبردها یا برنامه جامع و منسجمی که جهت حرکت یک مجموعه را برای نیل به اهداف آینده معین می‌کند وجود دارد (برای مطالعه بیشتر درباره تعریف راهبرد ر.ک: رضائیان، ۱۳۸۸: ص ۲۳۹). وجود مدیر توانمند با مدیریت در جهت تولید محتوا، مراقبت، هدایت و ارزیابی فراگیران و محتوای آموزشی، راهبردهای اصلی نظارت و ارزیابی هستند. از منظر امامیه، طبق این راهبردها، امام عالم به شریعت و معصوم از خطا می‌تواند حافظ دین، قرآن را تفسیر و نیازهای فقهی و دینی مردم را بیان کند، تا جامعه دچار تحیر نشود (مفید، ۱۴۱۳ق. و: ص ۳۲؛ همو، ۱۴۱۳ق. د: ص ۶۵). در غیر این صورت، اهداف نظام آموزشی تحقق نخواهد یافت.

در نظام آموزشی، راهکارهایی برای عملیاتی کردن راهبردها نیز وجود دارد که از طریق آن‌ها فرایند آموزش و اهداف آن تحقق یابد. اگرچه به دلیل عدم تشابه مراکز آموزشی گذشته با عصر حاضر، نمی‌توان عنوان نهاد را بر این فرایند گذاشت (برای مطالعه بیشتر: ر.ک: یآوری سرتختی، ۱۳۹۵)؛ اما فعالیت‌های نظارتی عصر حضور، هدفمند و حتی فعال‌تر و گسترده‌تر بوده و صرفاً به کنترل متون اختصاص نداشت، بلکه به بیشتر فعالیت‌های آموزشی ناظر بود. چنان‌که با بررسی سیری تاریخی، این نتیجه حاصل شد که آنان افزون‌بر تولید محتوا تحت اشراف اهل بیت<sup>علیهم‌السلام</sup>، به کنترل و ارزیابی متون و روش‌های آموزشی و فعالیت‌های نیروی انسانی، عرضه و مقایسه حدیث و متون آموزشی، بهره‌گیری از اجازه‌نامه، قرائت متن، تبلیغ، مناظره، پالایش متون از اخبار ناصواب و منع بهره‌گیری از منابع و محتوای آموزشی دیگران پرداخته‌اند (طوسی، ۱۴۰۹ق، ج ۱: ص ۳۳۷). امام صادق<sup>علیه‌السلام</sup>، درباره نقش دانشمندان شیعه در حراست از آموزه‌های شیعی فرمودند: «اگر آنان نبودند، کسی از ما و احادیث ما اطلاع پیدا نمی‌کرد. آنان حافظان دین و اشخاص محل اعتماد پدرم بر حلال و حرام خدا هستند» (طوسی، ۱۴۰۹ق، ج ۱: ص ۳۴۸).

## ۲-۵. آموزش پژوهش محور

نظام آموزش پژوهش محور، مجموعه منسجمی از مؤلفه‌ها و عناصر آموزشی است که در آن آموزش در فرایند پژوهش و تجربه علمی و با غایت پروردگی خلاقیت و

استعداد دانش‌پژوه صورت می‌گیرد که فراورده آن نیروی علمی بالفعل دارای قوت نظری و مهارت و محصولات پژوهشی است. این شیوه آموزشی در دو ضلع امور آموزش و پژوهش، می‌تواند در کنار هم، حافظه‌محوری را به یادگیری و لایه‌های عمیق‌تر آن و متن‌محوری را به مسئله‌محوری تبدیل کند. همچنین، موجب رشد و بالندگی تفکر، کاوشگری، نقادی، تضارب آرا و تقویت خردگرایی و روحیه پرسشگری شود. افزون‌بر موارد یادشده، موجب رشد تحلیل، ترکیب و نوآوری و درنهایت، به‌پروردگی دانش‌پژوهان منتهی می‌شود. از دیگر دستاوردهای این روش، توجه خاص به نیازهای جامعه و مستندسازی دستاوردهای علمی، تولید محتوا و متونی است که ضمن کمک به تولید علم، به مسائل پیرامونی پاسخ مناسب می‌دهد.

یکی از اهداف جدی نظام آموزشی، به‌ویژه زمانی که پژوهش‌محور باشد، فراخوانی انسان و جامعه برای دستیابی به مهارت‌های خلاق و استفاده بهینه از آن‌ها برای حل مسائل و مشکلات دشوار زندگی است. خلاقیت در نهاد انسان نهفته است و باید با بهره‌گیری از فرایند آموزش و آموزش پژوهش‌محور، آن را شناسایی و بیدار کرد؛ زیرا با بارور شدن خلاقیت، افراد خلاق در مواجهه با موقعیت‌های مبهم یا کشف مجهول، بصیرت خود را به‌کار می‌گیرند تا ضمن عبور از مشکلات و بحران‌ها، دانش را در خدمت تعالی مادی و معنوی بشریت قرار دهند. به‌عبارت دیگر، تربیت پژوهشگران توانمند و متعهد در حوزه علوم مختلف، زمینه‌سازی برای تولید علم و دانش، ایجاد تحول بنیادی در شیوه آموزشی، تأمین نیازهای روز جامعه و دیگر نیازهای مادی و معنوی زندگی بشر، ضرورت پژوهش را دوچندان می‌کند؛ ازاین‌رو، تربیت افراد خلاق از طریق رشد و توسعه قدرت، فهم و ایجاد آمادگی در فراگیران برای مواجهه مستدل، معقول و متفکرانه با چالش‌های پیش‌رو امری ضروری است.

در هر نظام آموزشی، برای فرایند پژوهش‌محوری، رویکردهای مختلفی وجود دارد. رویکردهایی که در آن، مدیر، مربی و مجریان نظام، ضمن انتقال نگرش‌ها، روحیات و مهارت‌های پژوهشی، آشناکردن فراگیران با نیازها و عینیات جامعه اسلامی، توجه به تولید پژوهش‌های بنیادی برای فرایند آموزش، در حین اجرا و فرایند آموزش نیز از فراگیران می‌خواستند تا دست به پژوهش بزنند. بر پایه مقدمات یادشده و رویکردهای موجود، با

بررسی سیره علمی و فرهنگی اهل بیت علیهم السلام و فعالیت‌های شیعیان در نظام آموزشی، این نتیجه حاصل شد که آنان برای فعال نگه‌داشتن و به‌روز رسانی این نظام، به فرایند آموزش پژوهش‌محور و رویکردهای آن توجه خاص داشته‌اند. تأکید بر مسئله‌محوری، تفکر و اجتهاد (برقی، ۱۳۴۲، ج ۱: صص ۲۲۹-۲۲۷، ۲۲۵؛ کلینی، ۱۴۰۴، ج ۱: صص ۳۳-۳۱)، توجه به نیازها و رویدادهای علمی جامعه (همان: ص ۱۰۰، ح ۱؛ طوسی، ۱۴۰۹، ج ۲: صص ۵۷۹، ۵۴۳)، کاوشگری، نقادی، تضارب آرا و مباحثه علمی (طوسی، ۱۴۰۹، ج ۲: ص ۵۶۴)، تقویت خردگرایی و روحیه پرسشگری (ابن بابویه قمی، ۱۴۰۴، ج ۱: ص ۲۲۵؛ کلینی، ۱۴۰۴، ج ۱: ص ۴۰؛ سید رضی موسوی، ۱۴۱۴، نامه ۶۷: صص ۷۷۵، ۴۵۸، و حکمت‌های ۴۷۰، ۳۰۴، ۳۰۳)، هدایت تحصیلی و روش‌های پژوهشی (کلینی، ۱۴۰۴، ج ۱: ص ۵۷، ح ۱۳؛ ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰، ج ۳: ص ۵۷۵)، مستندسازی دستاوردهای علمی (طوسی، ۱۴۰۹، ج ۲: ص ۵۶۰)، تولید محتوا و متون، تعامل در آموزش، آگاهی از نظرات مخالف، مناظره، دخالت دادن تجربه‌ها، نظر علمی مبتنی بر تجربه، تلاش و کوشش و برخورداری از استاد شایسته، از جمله مؤلفه‌هایی است که شیعیان در فرایند نظام آموزشی پژوهش‌محور به کار بسته و به کمک این روش، خلاقیت را بین فراگیران ایجاد و از طریق آن پویایی و تعالی تمدن اسلامی را تحقق ببخشند. آنان با شناسایی و تربیت نخبگان، مهارت‌های لازم را به فراگیران منتقل کرده تا بتوانند در حل مسائل و تولید علم به بالندگی جامعه کمک کنند.

### ۳. آثار و محصولات تمدنی نظام آموزشی

مراد از محصولات نظام آموزشی، آثار، نتایج و مجموعه دستاوردهایی است که در فرایند آموزش تحقق می‌یابد و قابلیت ارزیابی دارد. یکی از راه‌های تبیین و تشخیص استقلال و هویت نظام آموزشی امامیه، بررسی محصولات یا دستاوردهای نظری و عملی یا فرهنگی و اجتماعی این نظام است؛ زیرا فهم کارکرد یا اقدامات آنان در نظام آموزشی، ما را در تحلیل دقیق‌تر تاریخ امامیه و نقش تمدنی آنان یاری خواهد کرد. چنان‌که امروزه برای ارزیابی کارکرد و کارایی نظام آموزشی، محصولات آموزش و آثار مادی و معنوی آن از حیث آماری و محتوایی یا کمی و کیفی، مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

شیعیان امامیه از همان آغاز فعالیت‌های آموزشی، اگرچه در مسیر حرکت علمی و آموزشی با آسیب‌ها و موانعی مواجه بوده‌اند، با داشتن مبانی، منابع و مرجعیت علمی، اهداف، مواد و روش‌های آموزشی، با بهره‌گیری از عناصر آموزشی، ضمن انجام فعالیت‌های گوناگون، برای تحقق محصولات و نتایج آموزشی، گام‌های بلندی را برداشته و توانسته‌اند ضمن ارائه توان خود، تعالی آن‌ها را تضمین کنند. برای شمارش برخی از محصولات این نظام، می‌توان با مراجعه به منابع فهرست‌نگاری و رجالی شیعه همانند رجال نجاشی و فهرست طوسی، بسیاری از محصولات و دستاوردهای آموزشی آنان را استخراج و منعکس کرد.

### ۳-۱. مهم‌ترین فعالیت‌های آموزشی

تبیین مرجعیت علمی و آموزشی اهل بیت علیهم‌السلام و فقهای برجسته شیعه، تولید علم، تحصیل، تدریس به صورت خصوصی و عمومی و تخصصی برای زنان و مردان، تدریس منظم و مقطعی، ترویج دانش‌اندوزی، پرورش فقیه و عالم دینی، هدایت و ارزیابی علمی-تحصیلی دانشجویان و محتوا، صدور فتوا، نگارش کتاب و رساله‌های آموزشی، حاشیه یا شرح‌نویسی، حراست از میراث مکتوب شیعه با نگهداری نسخه‌ها، نسخه‌نویسی، مقابله نسخه‌ها و ترجمه فارسی به عربی، سامان‌دهی میراث حدیثی شیعه، تولید و توسعه علوم آموزشی و پژوهشی از فقه و حدیث به دیگر حوزه‌ها، پیشگامی در تولید متن، تأسیس علوم، پالایش متون دینی، تبیین روش‌های علمی استنباط و روش‌های تدریس، رصد دیدگاه‌ها و تسلط بر آموزه‌های مخالفان، مناظره، ردیه‌نویسی، مباحثه علمی و نقد آثار مکتوب درون‌مذهبی، تشکیل مکاتب علمی حدیثی و کلامی، تأسیس و توسعه مراکز علمی و آموزشی از مسجد به مدارس، کتابخانه‌ها و دارالعلم‌ها، گسترش جغرافیای علمی و آموزشی و شکل‌گیری حوزه‌های علمیه، استفاده از روش‌های تبلیغی و سازمان و کالت در فراگیر کردن آموزش و پاسخ به نیازهای دینی شیعیان، از اهم فعالیت‌ها، خدمات و محصولات عینی و نظری نظام آموزشی امامیه هستند که در این پژوهش شناسایی شد (برای مطالعه بیشتر ر.ک: یاوری سرتختی، ۱۳۹۶).

### ۲-۳. مهم‌ترین محصولات و آثار

جنس محصولات و دستاوردهای شیعیان در دو دسته خدمات و محصولات است. برخی از فعالیت‌های آنان ناظر به خدمات و تقویت مهارت‌ها در تحقق تمامی اهداف آموزشی است. ترویج دانش‌اندوزی، پالایش متون، تطبیق نسخه‌ها، صدور فتوا از جمله این امور هستند. تربیت مفتی، مدرس، تعداد فارغ‌التحصیلان، تأسیس علوم، تأسیس مراکز علمی و تولید متن در محورهای گوناگون نیز از مهم‌ترین محصولات عینی نظام آموزشی امامیه هستند. می‌توان گفت تربیت نیروی متخصص و پویا، مهم‌ترین محصول آموزش است. این محصول می‌تواند مایه ارتقای کیفیت و پایه توسعه جامعه در ابعاد مختلف باشد. بنابر سخن شیخ مفید، نتیجه فعالیت‌های گسترده شیعیان آن شد که «امامیه از نظر تعداد و از لحاظ علمی، پرجمعیت‌ترین فرقه شیعه است. آنان دانشمندان علم کلام، صالحان، عبادت‌پیشگان، فقیه و علمای حدیث، ادبا و شعرای زیادی را به خود اختصاص داده‌اند. اینان سرشناسان امامیه، رؤسا و مورد اعتماد در دیانت هستند» (علم‌الهدی، ۱۴۱۳ق: ص ۳۲۱).

### ۳-۲-۱. تولید علم و محتوای آموزشی

نقش تأسیسی و توسعه‌ای شیعیان در علوم مختلف از جمله علم نحو، قرائت، تفسیر، فقه، حدیث و کلام و تهیه متون متناسب، از دیگر محصولات نظام آموزشی امامیه است (ر.ک.: ابن‌سعد، ۱۴۱۸ق، ج ۶: ص ۲۱۲؛ طوسی، ۱۴۰۹ق، ج ۲: ص ۸۱۲؛ نجاشی، الرجال: ص ۳۵؛ ابن‌عساکر، ۱۴۱۷ق، ج ۴: ص ۴۰۰). این نقش فراتر از علوم اسلامی بوده و موجب تعالی دیگر دانش‌ها نیز شد. امامیه در نگارش متون دینی ضمن داشتن انگیزه‌های معنوی و رفع نیاز جامعه، تلاش داشتند تا از منابع مطمئن از جمله علم امام معصوم<sup>علیه السلام</sup>، میراث مکتوب یا شنیده‌های استادان بهره ببرند. به‌عنوان نمونه، سماعه می‌گوید: «به امام کاظم<sup>علیه السلام</sup> عرض کردم: ما جلسات بحث علمی داریم و هر مطلبی که پیش آید، راجع به آن نوشته‌ای داریم، این هم از برکت وجود شماست» (کلینی، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ص ۵۷، ح ۱۳). نتیجه این تلاش‌ها، تألیف کتاب‌ها یا دفترهای حدیثی با عنوان اصول یا تصانیف شد که در جوامع شیعی نقل و تدریس می‌شد (طوسی، ۱۳۷۳:

ص ۴۲۱). فراوانی فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی امامیه ناظر به نیاز جامعه و تحت اشراف مراجع علمی بود و نتیجه آن شد که ابن‌شعبه حرانی می‌نویسد: «در این عصر علمای شیعه دربارهٔ فقه، حلال و حرام کتاب‌های فراوانی نگاشته‌اند (ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق: ص ۲). جوئل کرمر نیز در تأیید نقش فعال شیعیان در تولید متون فقهی می‌نویسد: «آثار فقهی شیعهٔ امامی در عصر آل‌بویه به نهایت کمال رسید» (کرمر، ۱۳۷۵: ص ۱۱۰). بنابراین، تهیهٔ متن آموزشی با هدف حفظ و حراست از آموزه‌ها و آموزش، توانست مایهٔ تعالی محتوای دانش در دوره‌های بعد باشد.

### ۳-۲-۲. تعالی مراکز و مکان‌های علمی

شکل‌گیری و رونق حوزه‌های علمیه و کرسی درس در شهرهایی همانند مدینه، قم، کوفه، بغداد و دیگر مناطق شیعه‌نشین و همچنین، شکل‌گیری مکاتب حدیثی و کلامی در این حوزه‌ها، بازار نظریه‌پردازی را رونق بخشید و دانشجویان زیادی را برای کسب علم در این مراکز به‌سوی خود کشاند. جزیرهٔ العرب، عراق، لبنان، شام و فلسطین (ابن‌برّاج طرابلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۱: ص ۳۰؛ عبدالجبار همدانی، بی‌تا، ج ۲: ص ۵۹۵؛ ابن‌حجر عسقلانی، ۱۳۹۰ق، ج ۱: ص ۳۸۶)، مصر (مفید، ۱۴۱۳ق. ب: صص ۷۶-۷۵؛ نجاشی، الرجال: صص ۳۷۵، ۶۶)، بخارا (خزاز رازی، ۱۴۰۱ق: ص ۹۱)، ماوراءالنهر و ایران، از مناطقی هستند که فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی در آن‌ها برقرار بوده است. با کمک شیعیان مراکز علمی توسعه یافت و مکان‌های علمی نوین تأسیس شد و کرسی‌های درس و تولید متون درسی افزایش یافت. می‌توان گفت اگر در منطقه‌ای چند عالم حضور داشت، جلسات آموزشی نیز فعال بود. به‌عنوان نمونه، حوزهٔ علمیهٔ قم قطب علمی ایران به‌حساب می‌آمد و ابراهیم‌بن‌هاشم کوفی نیز حدیث کوفه را در قم نشر داد (همان: ص ۱۶).

در نظام آموزشی، مکان‌های آموزشی از جمله نهادهای بنیادی جامعه برای یادگیری، دانش‌اندوزی و انتقال ارزش‌های فرهنگی-اجتماعی، به‌حساب می‌آیند؛ بنابراین، یکی از عناصر اصلی آموزش، مراکز یا مکان‌های آموزشی هستند که بخشی از فعالیت‌های آموزشی در آن اجرا می‌شود (برای مطالعهٔ بیشتر ر.ک: صفری فروشانی، ۱۳۸۱). قبل از

ساخته شدن مسجد در اسلام، استفاده از فضای منزل برای آموزش معارف دین و علوم مختلف مورد توجه مسلمانان قرار گرفت. چنان‌که رسول خدا ﷺ در مکه در خانه ارقم بن ابی‌الرقم در کنار صفا به تبلیغ دین می‌پرداختند (بلاذری، ۱۴۱۷ق، ج ۱۰: ص ۲۱۴؛ طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۱۱: ص ۵۳۲). اما بعد از ورود به مدینه، مسجد، نخستین مرکزی بود که در کنار عبادت، برای تعلیم و تربیت مسلمانان در نظر گرفته شد.

گسترده‌گی موضوعات، فعالیت‌های آموزشی، تعداد دانشجویان، روش‌های جدید تدریس، بحث و جدل‌های علمی باعث شد تا نوع جدیدی از مراکز علمی با نام مدارس پدید آید. مدرسه در تاریخ اسلام از کارکردهای مسجد منشعب شده است. دلیل توجه به مدرسه را می‌توان در نیاز آن روزگار جست. در آن دوران، شیعه برای برون‌رفت از بحران‌ها، حفظ هویت و میراث خود، جلوگیری از تأثیرات سیاست‌های خلفا نسبت به جامعه شیعه و برای گسترش تشیع، نیاز به مراکز علمی بیشتری داشت. باید توجه داشت اولین مدرسه توسط شیعیان امامیه و بعد از آنان، توسط زیدیه و اسماعیلیه تأسیس شده است. بنابر گزارش‌های موجود، محمد بن مسعود عیاشی (م ۳۲۰ق) اولین کسی است که خانه خود را مانند مدرسه یا مسجد، به محل تدریس و تجمع ده‌ها نسخه‌بردار، مقابله‌کننده، قاری متن و تعلیقه‌نویس تبدیل کرد. عیاشی با برپایی دو کلاس عمومی و خصوصی، سعی کرد تا عوام و خواص شیعه را با آموزه‌های شیعی آشنا کند (نجاشی، الرجال: صص ۳۵۳-۳۰۵؛ طوسی، ۱۳۷۳: ص ۴۴۰؛ ابن‌ادریس حلی، ۱۴۱۰ق: ص ۳۳۵). این جلسات سبب شد، بسیاری از دانشمندان شیعه از مراکز علمی آن روز نظیر قم، رهسپار سمرقند شوند.

با افول بیت‌الحکمه یا کتابخانه‌ها، فراهم شدن آزادی نسبی سیاسی اجتماعی برای شیعیان و کثرت فعالیت‌های علمی و آموزشی آنان، کافی نبودن فضاهای آموزشی و منابع، تخریب برخی مساجد شیعیان از سوی عباسیان از جمله مسجد برائثا و گسترش معارف شیعی، اخراج برخی از شیعیان از مدارس نظامیه (یا قوت حموی، ۱۳۹۹ق، ج ۱۵: ص ۶۷)، دانشمندان امامیه را بر آن داشت تا افزون‌بر مدارس و منازل، دارالعلم‌هایی را برای پاسخ به نیازهای جامعه شیعه طراحی کنند (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۹۰ق، ج ۴: ص ۲۲۳. برای مطالعه بیشتر ر.ک: کریمی زنجانی، ۱۳۸۹).



دارالعلم، به‌عنوان مراکز پیشتاز در نشر دانش، به محلی اطلاق می‌شود که دارای چند اتاق یا چند تالار، یک کتابخانه با کارکردهای گوناگون از جمله مطالعه و پژوهش، نسخه‌برداری، تحصیل علم در سطوح عالی، سخنرانی، جلسات مناظره و محلی برای سکونت طلاب بود. در این دارالعلم‌ها، کتاب‌هایی در موضوعات گوناگون فراهم آمده و گروه‌های مختلف علمی و آموزشی در آن فعال بودند و ابزارهای فراوانی مانند کاغذ، مرکب و قلم برای بهره‌وری خوانندگان به‌رایگان فراهم می‌شد و درهای دارالعلم بر روی همگان باز بود (یاقوت حموی، ۱۳۹۹ق، ج ۶: ص ۵۳۹، ج ۱۴: ص ۹۸؛ شبلی، ۱۳۸۷: ص ۱۵۷). و بنابر گزارش عسقلانی (م ۸۵۲ق)، اولین مؤسس دارالعلم در جهان اسلام، سید مرتضی (م ۴۳۶ق) است. وی خانه خود را که متشکل از چندین اتاق بزرگ و کتابخانه‌ای با تعداد هشتاد هزار جلد کتاب بود، دارالعلم نامید و در آن جلسات مناظره و تدریس برقرار بود. به‌نظر می‌رسد سید مرتضی مدرسه‌ای را تأسیس کرده بود؛ اما با توجه به گستردگی فعالیت‌های علمی آن، نام دارالعلم را که عنوانی ابداعی بود، بر آن نهاده بود. سید مرتضی سرپرستی دارالعلم را برعهده داشت و با نشستن در آنجا، شخصاً به امور طلاب رسیدگی می‌کرد و در جهت رفاه حال آنان تمام هزینه‌های مدرسه و دانشجویان را می‌پرداخت (ابن‌عنه، ۱۳۸۰ق: ص ۲۰۶؛ ابن‌حجر عسقلانی، ۱۳۹۰ق، ج ۴: ص ۲۲۳).

### ۳-۲-۳. تخصصی شدن علوم

یکی دیگر از آثار و نتایج نظام آموزشی امامیه، تخصصی شدن علوم و تربیت متخصص بود. تخصصی شدن علم کمک شایانی به تحولات آموزشی از جمله، گسترش و توسعه علوم تخصصی می‌کرد. بر این اساس، امام صادق علیه السلام به تربیت شاگردان متخصص در هر رشته اقدام کرد (طوسی، ۱۴۰۹ق، ج ۲: ص ۵۵۴). تفسیر، قرائت و علوم قرآنی، حدیث، فقه، ادبیات عرب، کلام، تاریخ، تراجم و فهرست‌نگاری، فرق و مذاهب، نجوم، فلسفه و دیگر علوم، از محورهای دانشی بودند که متخصصانی را به خود اختصاص دادند؛ بنابراین، از دیگر آثار و برکات تخصصی شدن علوم، تربیت نیروی انسانی کارآمد بود. چنان‌که محمدبن عیسی اسدی نقل می‌کند که ما داخل مسجد کوفه بودیم و محمدبن

سنان در مسجد می‌گفت: «اگر کسی می‌خواهد دربارهٔ مسائل پیچیده اعتقادی سؤال کند نزد من بیاید و اگر می‌خواهد دربارهٔ حلال و حرام مسائل فقهی بداند، نزد صفوان بن یحیی برود» (همان، ج ۲: ص ۷۹۶). در عصر غیبت نیز همانند عصر حضور، با توجه به حمایت نسبی امرای شیعه، فرصت مناسبی برای جولان علمی و آموزشی دانشمندان شیعه فراهم شد و امامیه در این دوره از نظر تعداد و از لحاظ علمی، دانشمندان علم کلام، صالحان، عبادت‌پیشگان، فقیه و علمای حدیث، ادبا و شعرای زیادی را به خود اختصاص داده‌اند (علم‌الهدی، ۱۴۱۳ق: ص ۳۲۱).

### ۴-۲-۳. نهادینه کردن تربیت دینی

از دیگر آثار ظرفیت نظام آموزشی امامیه، به‌عنوان یک دستاورد فرهنگی و در راستای توسعهٔ منابع انسانی در تمدن اسلامی، گسترش فرهنگ معنویت و تعالی اخلاقی و آداب و رسوم مذهبی در جامعه برای پاسداری از هویت شیعهٔ امامیه است؛ بنابراین، می‌توان گفت یکی از آثار و برکات فرهنگی نظام آموزشی امامیه، پایبندی شیعیان به آموزه‌ها و تجلی اخلاق اسلامی در زندگی آنان بود (طبری، ۱۴۱۵ق: صص ۲۰۶-۱۹۱).<sup>۱</sup> این پایبندی به‌گونه‌ای بود که مردم آنان را می‌ستودند و موجب تمایز آنان از دیگران می‌شد. چنان‌که به ورع و کثرت نماز مشهور بودند<sup>۲</sup> و طبق فرمایش امام صادق علیه السلام علت پایبندی شیعیان به آموزه‌های دینی، ایمان آنان به امامت و کوشش زیاد آنان از دیگران (عامه) برای یادگیری آموزه‌های دینی است (ابن‌بابویه قمی، ۱۳۶۲: ص ۱۵).

### ۵-۲-۳. گرایش به مذهب تشیع

دانشمندان شیعه با تکیه بر مبانی و در راستای فرایند فعالیت‌های نظام آموزشی به اهداف بلندی دست یافتند تا ضمن عبور شیعیان از بحران‌ها و تبیین آموزه‌های آنان، زمینهٔ گرایش دیگران به تشیع را فراهم کنند. یکی از مهم‌ترین دستاوردهای این نظام، تقویت

۱. به‌عنوان نمونه، پایبندی صفوان بن یحیی به واجبات، مستحبات و پیمان (نجاشی، الرجال: ص ۱۹۷).

۲. همانند مسلم بن عوسجه (ابوحنیفه دینوری، ۱۳۶۸: ص ۲۳۶)؛ همانند معروف بن خربوذ، جمیل بن درّاج، محمد بن ابی‌عمیر (طوسی، ۱۴۰۹ق، ج ۲: ص ۴۷۱).

نظام فکری امامیه و گسترش تشیع بود. چنان‌که در عصر هر امامی یا در عصر غیبت، شاهد گرایش بسیاری از گروه‌های مذهبی و فرقه‌ای به تشیع هستیم. چنان‌که در عصر حضور افرادی چون ابوخلد کابلی و قاسم بن عوف، عبدالملک و حمران اعین (ابوغالب زُراری، ۱۳۶۹: صص ۱۱۳، ۱۳۵؛ طوسی، ۱۴۰۹، ج ۱: ص ۳۳۹) و در عصر غیبت نیز برخی از معتزله و خوارج به تشیع پیوستند. مهیار دیلمی (محمد بن عبدالملک تَبَّانِ نَسَفی، ابن‌قبة رازی، عبدالله بن یعقوب بن نصر انباری (نجاشی، الرجال: صص ۴۰۳، ۳۷۵، ۲۳۳) و ابو عیسی و رَاق (همدانی، بی‌تا، ج ۱: ص ۵۱) از معتزله و محمد بن سعید از خوارج به تشیع تغییر عقیده دادند و همین افراد در حوزه دفاع و تبیین تشیع، آثار ارزشمندی را تولید کردند (طوسی، ۱۴۰۹، ج ۲: ص ۸۲۲).

#### ۴. نظام آموزشی امامیه و تمدن نوین اسلامی

با روشن شدن نقش و ظرفیت نظام آموزشی امامیه پنج قرن نخست هجری در پیشرفت فرهنگ و تمدن اسلامی، اکنون لازم است نسبت نظام آموزشی کنونی ایران با نظام آموزشی امامیه در پیشرفت تمدن نوین اسلامی مشخص و روشن و تبیین شود که نظام آموزشی امامیه چه مزایایی نسبت به وضعیت موجود دارد و چگونه باید نظام جدید آسیب‌شناسی شود؟ قبل از پاسخ دادن به این سؤال ضرورت دارد تا مهم‌ترین مباحث و کاستی‌ها یا آسیب‌های نظام آموزشی جدید ایران بیان و نسبت به آن نظام آموزشی امامیه ارزیابی شود.

طبق بررسی‌های برخی کارشناسان، نظام آموزش و پرورش کشور با مشکلات گوناگونی دست به گریبان است؛ از این رو، شناخت این آسیب‌ها می‌تواند بر کارآمدی و ثمربخشی این نهاد بیافزاید. ضعف در تبدیل آموخته‌ها به علم، توجه به نظام کمی، آموزش محور بودن، عدم تناسب آموزش‌ها با نیازها و اقتضائات محلی و ملی، فقدان یک تئوری مناسب به منظور تعیین جایگاه، اهداف و سند آموزشی کشور، عدم توجه به معنای الهی و متافیزیکی علم و آموزش و نادیده گرفتن هویت تاریخی و ضعف در منابع و محتوای تولید علم، از مهم‌ترین آسیب‌های نظام آموزشی ایران در دوران معاصر است (برای مطالعه بیشتر ر.ک: کرمی، ۱۳۸۵).

باتوجه به تجربه نظام آموزشی امامیه از افق آموزشی مطلوب در تمدن اسلامی، می‌توان گفت توجه به پیگیری و اجرایی کردن اهداف و ویژگی‌های نظام آموزشی در جهت آموزش علم و پروراندن نخبگان برای فعالیت حداکثری، بیشترین نقش را در پیشرفت نظام آموزشی به‌عنوان جزئی از تمدن و دستیابی به فرهنگ و تمدن اسلامی دارند. این نظام به‌دلیل توجه به حراست از مبانی و حضور جدی در میان افراد جامعه در جهت پاسخ‌گویی به نیازها، در طول تاریخ توانسته است از بحران‌ها عبور کند و نقش‌آفرینی فعالی داشته باشد؛ بنابراین، تمدن نوین اسلامی نیازمند نظامی است که به این امور توجه کند و ضمن نظریه‌پردازی، به‌دنبال عملیاتی کردن علم در جامعه باشد و نکات دیگری از جمله نظام کیفی، پژوهش‌محور بودن و برآوردن نیازها را موردنظر قرار دهد.

### نتیجه‌گیری

پرسش درباره نقش یا ظرفیت نظام آموزشی امامیه در پیشرفت فرهنگ و تمدن اسلامی، ما را به این نتیجه رهنمون کرد که این نظام به‌دلیل ظرفیت‌ساز بودن، افزون‌بر تعالی خود، بر تمدن اسلامی نیز به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم تأثیرگذار بوده است. ساختار نظام آموزشی که متشکل از مؤلفه‌ها و عناصر است به‌عنوان پیشران پایه و ویژگی‌های آن به‌عنوان پیشران‌های ابزاری و مؤثر، باعث شد تا تهدیدها را به فرصت تبدیل و آثار تمدنی ظهور و بروز کند. مدیریت، هدفمندی، نیازسنجی، برنامه‌ریزی، نظارت و ارزیابی و توجه به آموزش پژوهش‌محور، نقش ابزاری ایفا کرده و بر فرایند تولید و تعالی علم و آموزش اثرگذارند و توانسته‌اند با تکیه بر نظام کیفی و پژوهش‌محوری، پیشرفت علم را ضمانت کنند.

بر پایه این منطق، نتیجه آن شد که شیعه دارای نظام آموزشی بوده است. این نظام می‌تواند ظرفیت‌ساز باشد و با انجام گونه‌های مختلف فعالیت‌های علمی و آموزشی، بر تولید محتوا یا بخش نرم‌افزاری از جمله علوم انسانی و بر تعالی بخش سخت‌افزاری تمدن اسلامی تأثیرگذار باشد. تولید محتوا و علم، تهیه متن درسی و آموزشی، تخصصی شدن علوم، توسعه مراکز و مکان‌های آموزشی از مهم‌ترین آثار نقش نظام آموزشی امامیه هستند که می‌تواند الگویی برای دانشجویان باشد.

## کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. التفسیر. منسوب به امام حسن عسکری. ۱۴۰۹ق. قم: مدرسه امام مهدی. چاپ اول.
۳. ابن اثیر، عزالدین علی بن محمد. ۱۳۸۵ق. **الکامل فی التاریخ**. بیروت: دارصادر.
۴. ابن ادريس حلی، محمد بن احمد. ۱۴۱۰ق. **السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی (والمستطرفات)**. قم: جامعه مدرسین. چاپ دوم.
۵. ابن بابویه قمی، محمد بن علی. ۱۳۶۲. **الخصال**. قم: جامعه مدرسین. چاپ اول.
۶. \_\_\_\_\_ . ۱۳۶۲. **صفات الشیعة**. تهران: اعلمی. چاپ اول.
۷. \_\_\_\_\_ ۱۴۱۵ق. **المقنع**. قم، امام مهدی علیه السلام. چاپ اول.
۸. \_\_\_\_\_ ۱۴۰۳ق. **معانی الاخبار**. قم: جامعه مدرسین، چاپ اول.
۹. \_\_\_\_\_ ۱۴۰۴ق. **من لایحضره الفقیه**. قم: جامعه مدرسین. چاپ دوم.
۱۰. ابن برآج طرابلسی، عبدالعزیز. ۱۴۰۶ق. **المهذب**. قم: جامعه مدرسین. چاپ اول.
۱۱. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی. ۱۴۱۲ق. **المنتظم فی تاریخ الأمم و الملوک**. تحقیق محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا. بیروت: دارالکتب العلمیه. ط الأولى.
۱۲. ابن حجر عسقلانی احمد بن علی. ۱۳۹۰ق. **لسان المیزان**، بیروت: نشر الاعلمی للمطبوعات. چاپ دوم.
۱۳. ابن حجر هیثمی، احمد بن علی. ۱۳۸۵ق. **الصواعق المحرقة فی الراد علی اهل البدع و الزندقة**. مصر: مكتبة القاهرة. ط الثاني.
۱۴. ابن خلکان، احمد بن محمد بن ابراهیم. بی تا. **وفیات الأعیان و أنباء أبناء الزمان**. بیروت: دارالثقافه.
۱۵. ابن داود حلی، حسن بن علی. ۱۳۴۲. **الرجال**. تهران: دانشگاه تهران. چاپ اول.
۱۶. ابن سعد، محمد بن منیع. ۱۴۱۸ق. **الطبقات الكبرى**. بیروت: دارالکتب العلمیه. چاپ دوم.
۱۷. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی. ۱۴۰۴ق. **تحف العقول عن آل الرسول**. قم: جامعه مدرسین. چاپ دوم.
۱۸. ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله. ۱۴۲۱ق. **جامع بیان العلم و فضله**. بیروت: دارالکتب. چاپ اول.
۱۹. ابن عساکر، علی بن حسن بن هبة الله. ۱۴۱۷ق. **تاریخ مدینه دمشق**. بیروت: دارالفکر. چاپ اول.
۲۰. ابن عنبه، احمد بن علی. ۱۳۸۰ق. **عمده الطالب فی انساب آل ابی طالب**. نجف الاشرف: منشورات المطبعة الحیدریة. چاپ دوم.

۲۱. ابن ندیم، محمدبن ابی یعقوب. بی تا. **الفهرست**. تحقیق رضا تجدد. بی جا.
۲۲. ابوحنیفه دینوری، احمدبن داود. ۱۳۶۸. **الأخبار الطوال**. قم: منشورات الرضی.
۲۳. ابوغالب زراری، احمدبن محمد. ۱۳۶۹. **رسالة أبي غالب الزراري إلى ابن ابنه في ذكر آل أعين**. قم: مرکز تحقیقات اسلامی. چاپ اول.
۲۴. احمدبن علی نجاشی. **الرجال**. ص ۱۲.
۲۵. اعرافی، علی رضا. ۱۳۸۷. **فقه تربیتی**. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. چاپ اول.
۲۶. باقری، خسرو. ۱۳۸۷. **درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران**. تهران: انتشارات علمی فرهنگی. چاپ اول.
۲۷. برقی، احمدبن محمدبن خالد. ۱۳۴۲. **المحاسن**. تهران: دانشگاه تهران. چاپ اول.
۲۸. بلاذری، احمدبن یحیی. ۱۴۱۷ق. **کتاب جمل من انساب الأشراف**. تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی. بیروت: دارالفکر. ط الأولى.
۲۹. ترمذی، محمدبن عیسی بن سوره. ۱۴۰۳ق. **السنن**. بیروت: دارالفکر. چاپ دوم.
۳۰. تمیمی آمدی، عبدالواحدبن محمد. ۱۴۱۰ق. **غررالحکم و دررالکلم**. قم: دارالکتاب الإسلامي. چاپ دوم.
۳۱. ثعالبی، عبدالملکبن محمدبن اسماعیل. ۱۴۲۰ق. **یتیمه الدهر فی محاسن أهل العصر**. بیروت: دار الکتب العلمیة. چاپ اول.
۳۲. حجتی، سید داود. ۱۳۷۵. **فرهنگ تعلیم و تربیت**. تبریز: احرار. چاپ اول.
۳۳. حسینی زاده، سید علی. ۱۳۸۵. **نگرشی بر آموزش**. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. چاپ سوم.
۳۴. خزاز رازی، علی بن محمد. ۱۴۰۱ق. **کفاية الأثر فی النص علی الأئمة الإثنی عشر**. قم: بیدار.
۳۵. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه. ۱۳۸۰. **آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن**. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۳۶. ذهبی، محمدبن أحمد. ۱۹۶۱م. **العبر فی خبر من غیر**. کویت: مطبعة حکومه. چاپ اول.
۳۷. رضائیان، علی. ۱۳۸۸. **سازمان و مبانی مدیریت**. تهران: سمت، چاپ سیزدهم.
۳۸. رهبر، محمدتقی؛ رحیمیان، محمدحسن. ۱۳۸۵ش. **اخلاق و تربیت اسلامی**. تهران: سمت.
۳۹. رهنمایی، سیداحمد. ۱۳۹۵. **فلسفه تعلیم و تربیت**. قم: مؤسسه امام خمینی. چاپ اول.
۴۰. زرین کوب، عبدالحسین. ۱۳۶۹. **کارنامه اسلام**. تهران: امیرکبیر. چاپ چهارم.
۴۱. سید رضی موسوی، محمدبن حسین. ۱۴۱۴ق. **نهج البلاغه**. ترجمه حسین انصاریان. قم: هجرت. چاپ اول.

۴۲. شاملی، عباسعلی. ۱۳۸۴. «مبانی و اصول فلسفه آموزش و پرورش از یک چشم‌انداز دینی». معرفت. شماره ۹۲.
۴۳. شبلی، احمد. ۱۳۸۷. تاریخ آموزش در اسلام از آغاز تا فروپاشی ایوبیان در مصر. ترجمه محمدحسین ساکت. تهران: نگاه معاصر.
۴۴. شریعتمداری، علی. ۱۳۷۰. اصول تعلیم و تربیت. تهران: دانشگاه تهران.
۴۵. شمس‌اوری، پری‌سیما. ۱۳۹۲. حکومت، دین و آموزش و پرورش: آموزش و پرورش در ادیان و آیین‌های جهانی. ترجمه محمدرضا امین. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ اول.
۴۶. صفار، محمدبن حسن. ۱۴۰۴ق. بصائرالدرجات فی فضائل آل محمد. قم: مرعشی نجفی. چاپ دوم.
۴۷. صفری فروشانی، نعمت‌الله. ۱۳۸۱ش. «روند تاریخی آموزش از صدر اسلام تا پایان امویان». فصلنامه طلوع. شماره ۱. صص ۱۰۸-۱۲۵.
۴۸. طبری، محمدبن جریر. ۱۳۸۷ق. تاریخ الأمم و الملوک. تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم. بیروت: دارالتراث. طبعه الثانية.
۴۹. طبری، محمدبن جریر شیعی. ۱۴۱۵ق. المسترشد فی إمامة علی بن أبی طالب. قم: کوشانپور. چاپ اول.
۵۰. طرقی، جعفر؛ اسماعیلی، علی. ۱۳۸۶ش. دانش مدیریت مبانی سازمان و مدیریت. اصفهان: دانشگاه اصفهان. چاپ اول.
۵۱. طوسی، حسن بن فضل. ۱۴۱۲ق. مکارم الاخلاق. قم: شریف رضی. چاپ چهارم.
۵۲. طوسی، محمدبن حسن. ۱۳۷۳. الرجال. قم: جامعه مدرسین. چاپ سوم.
۵۳. \_\_\_\_\_ ۱۴۰۹ق. اختیار معرفة الرجال، مشهد: دانشگاه مشهد. چاپ اول.
۵۴. \_\_\_\_\_ ۱۴۱۴ق. الف. الامالی. قم: دارالتقافه. چاپ اول.
۵۵. \_\_\_\_\_ ۱۴۱۴ق. ب. الرسائل العشر. قم: مؤسسة نشر الإسلامی. چاپ دوم.
۵۶. \_\_\_\_\_ ۱۴۲۰ق. فهرست کتب الشيعة و أصولهم و أسماء المصنّفین و أصحاب الأصول. قم: مکتبه محقق طباطبایی. چاپ اول.
۵۷. عبداللهی، ابوطالب. ۱۳۸۷. «خلاقیات و نوآوری در عرصه تعلیم و تربیت» حصون. شماره ۱۸. صص ۸۲-۱۰۴.
۵۸. عثمان، هاشم. ۱۴۱۴ق. تاریخ الشيعة فی ساحل بلاد الشام الشمالي. بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.

۵۹. علم الهدی، سید مرتضی. ۱۴۱۳ق. الفصول المختاره. قم: کنگره شیخ مفید. چاپ اول.
۶۰. قزوینی رازی، عبدالجلیل. ۱۳۵۸. النقص معروف به بعض مثالب النواصب فی نقص بعض فضائح الروافض. تهران: انتشارات انجمن آثار ملی. چاپ اول.
۶۱. کراجکی، محمدبن علی. ۱۴۱۰ق. کنز الفوائد. قم: دارالذخائر. چاپ اول.
۶۲. کرمر، جوئل. ۱۳۷۵. احیای فرهنگی در عهد آل بویه. ترجمه محمدسعید حنایی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی. چاپ اول.
۶۳. کریمی، سعید. ۱۳۸۵. مجله امید انقلاب. «سرمقاله آسیب شناسی نظام آموزشی». مهر ۱۳۸۵، شماره ۳۷۱.
۶۴. کریمی زنجانی، محمد. ۱۳۸۹. دارالعلم های شیعی و نوزایی فرهنگی در جهان اسلام. تهران: اطلاعات. چاپ دوم.
۶۵. کلینی، محمدبن یعقوب. ۱۴۰۴ق. الکافی. تحقیق علی اکبر غفاری. تهران: دارالکتب الإسلامية. چاپ چهارم.
۶۶. کیلانی، ماجد عرسان. ۱۳۹۰. فلسفه تربیت اسلامی. ترجمه و نقد بهروز رفیعی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. چاپ دوم.
۶۷. گروه مشاوران یونسکو. ۱۳۸۴. فرایند برنامه ریزی آموزشی. ترجمه فریده مشایخ. تهران: وزارت آموزش و پرورش. چاپ شانزدهم.
۶۸. گلشن فومنی، محمدرسول. ۱۳۸۲. جامعه شناسی آموزش و پرورش. تهران: دوران. چاپ سوم.
۶۹. محمدجواد یآوری سرتختی. ۱۳۹۵. «راهبردها و راهکارهای نظارت و ارزیابی در نظام آموزشی امامیه عصر حضور». فصلنامه تاریخ اسلامی در آینه پژوهش. شماره ۴۱.
۷۰. مرکز جهانی علوم اسلامی. ۱۳۷۷. درآمدی بر نظام تربیت اسلامی. قم: امین. چاپ اول.
۷۱. مسکویه رازی، احمدبن محمد. ۱۳۷۹. تجارب الأمم. تحقیق ابوالقاسم امامی. تهران: سروش. چاپ دوم.
۷۲. مصباح یزدی، محمدتقی. ۱۳۷۹. جامعه و تاریخ. قم: سازمان تبلیغات اسلامی. چاپ سوم.
۷۳. \_\_\_\_\_ ۱۳۹۱. فلسفه تعلیم و تربیت. قم: مؤسسه امام خمینی. چاپ دوم.
۷۴. مفید، محمدبن محمدبن نعمان. ۱۴۱۳ق. الف. الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد. قم: کنگره شیخ مفید. چاپ اول.
۷۵. \_\_\_\_\_ ۱۴۱۳ق. ب. المسائل السرویه. قم: کنگره شیخ مفید. چاپ اول.



۷۶. \_\_\_\_\_ ۱۴۱۳ق. ج. المسائل الصاغانية. قم: کنگره شیخ مفید. چاپ اول.
۷۷. \_\_\_\_\_ ۱۴۱۳ق. د. اوائل المقالات فی المذاهب و المختارات. قم: کنگره شیخ مفید. چاپ اول.
۷۸. \_\_\_\_\_ ۱۴۱۳ق. ه. النکت الاعتقادية. قم: کنگره شیخ مفید. چاپ اول.
۷۹. \_\_\_\_\_ ۱۴۱۳ق. و. المقنعه. قم: کنگره شیخ مفید. چاپ اول.
۸۰. \_\_\_\_\_ ۱۴۱۳ق. ز. الامالی. قم: کنگره شیخ مفید. چاپ اول.
۸۱. \_\_\_\_\_ ۱۴۱۴ق. تصحیح اعتقادات الإمامية. قم: کنگره شیخ مفید. چاپ دوم.
۸۲. میدی، محمدفاکر. ۱۳۹۳ش. «سیره آموزشی امام صادق». مطالعات اهل بیت شناسی. قم: جامعه المصطفی العالمیه. شماره اول. صص ۳۴-۲۱.
۸۳. همت بناری، علی. ۱۳۸۸ش. نگرشی بر تعامل فقه و تربیت. قم: مؤسسه امام خمینی\*. چاپ اول.
۸۴. همدانی، عبدالجبار. بی تا. تثبیت دلایل النبوة. قاهره: دارالمصطفی. چاپ اول.
۸۵. یاقوت حموی. ۱۳۹۹ق. معجم الادباء. بیروت: داراحیاء التراث العربی. چاپ اول.
۸۶. باوری سرتختی، محمدجواد. ۱۳۹۶ش. «بررسی وضعیت تاریخی نظام آموزشی امامیه در پنج قرن نخست هجری». رساله دکتری. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی\*.

